

مقام زن در آئینه تاریخ باستان و معاصر

دکتر صنوبر واحد

(تاجیکستان)

نقش و مقام زن در طول قرون متمادی در آینه ی تاریخ و تمدن و فرهنگ باستانی و این چنین در ساختار دولرداری موضوعی خیلی پیچیده و گسترده بوده و هم اکنون مضمون مطالعه ی ما می باشد. اگر به صفحه تاریخ باستان دقیق نظر اندازیم شواهد مبارزات زنان برای استقلال، دیمکراسی، جهت کسب حقوق عادی در خانواده می گردیم، که صرف نظر از محدودیت های، که مردان برایشان ایجاد کرده اند و حقوق ناچیزی برای زن قائل نمی باشند، آن ها در حیات اجتماعی و سیاسی نقش موثر و حتی بعضا صاحب مقام مشخص اجتماعی و تخت سلطنت گردیده اند. چرا که مسوولیت مادران و زن نسبت به همه کار افزایش یافت. آموزش رفتار نیک اکثرا از طریق مادر، زن به دست می آید و نقش زن، مادر برای بقا اساسی تر می گردد. (۱)

باید تذکر داد، که در چنین کشورهای چون انگلیستان، اسکاتلند، ایسلاند، پرتقال، نرویز، دانمارک، سوئد و روسیه صاحب تاج و تخت شدن زنان امر معمولی بوده است. به طور مثال ملکه انگلیس الزابیت اول (۱۵۵۸-۱۶۰۳)، ملکه ماری (۱۶۸۹-۱۶۹۴)، ملکه آنا (۱۸۰۲-۱۸۱۴)، ملکه ویکتوریا (۱۸۳۷-۱۹۰۱). در کشور روسیه ایکاترینا نه تنها اراضی روسیه را توسعه داد، بلکه آن را تا سواحل دریای سیاه برای همیشه رساند. در اواخر قرن پانزده و اوایل قرن شانزده ملکه کاستیلیو توانست، که اسپانیا را تحت یک تخت و تاج قوی متحد نماید و حتی کشتی های کریستوفر کولومب را جهت کشف

ایران زمین

قطعه آمریکا مجهز و اعزام نماید. (۲) اکثر محققین اروپای مقام زن شرق را در جامعه نادرست شرح می‌دهند و نه تنها در شرق. گویا به قول میلتنون، شاعر انگلیس «مرد برای خداوند خلق شده است و زن برای مرد» (۳) به اندیشه آن‌ها زن غلام مرد بوده و گوشه‌نشین بوده است. ولی به طور صحیح زنان شرق حق آزادی خود را بیشتر از زنان اروپای در اکثر مورد به دست آورده بودند. زن مشرق زمین حقوق خود را در تمام ساحات مختلف زندگی، امور خانوادگی، تجارت، حق میراث و غیره دقیق درک کرده است.

باید گفت، که عکس زنان هم شرق و هم غرب در برابر مردان در تمام دوره‌ها روی سکه‌ها، مدالیون‌ها و آثار باستانی به شکل مجسمه‌های نیم‌تنه روی مصنوعات چینی و نقاشی و کتیبه‌های باستانی ترسیم شده است.

به گفته عالم شناخته‌ی آلمانی ناصر قنانی در قرن چهارم قبل از میلاد در دوره هخامنش‌ها فرهنگ موسیقی ایران در طول تاریخ خود همچون موسیقی اصیل انکشاف یافته است.

بر اساس اسناد تاریخی در ایران باستان سکه‌هایی در شهر ری به دست آمده‌اند، که در روی آن‌ها عکس‌های زنان موجود بود. فعلا این سکه‌ها در آثارخانه لور پاریس محفوظ می‌باشند. روی این سکه‌ها و پارچه‌های سفالی نقش زنان آریایی با اسباب‌های موسیقی و در حالت رقص تصویر یافته است. پس از این معلوم می‌شود، که بانوان دوره هخامنشی مهارت رقص و نواختن آلات موسیقی را داشتند. (۴)

در «یشت»‌ها شواهد زیادی موجود است، که به خاطر عقل و خرد و پاکدامنی نام بسیاری از زنان ابداً باقی مانده‌اند. در تمدن زردشتی در میان همه نیکی‌های زنان الهه اساطیری آن‌هایتا مقام بزرگ را داراست، که تا امروز بهترین صفات زن، عقل و زیبایی باطنی و ظاهری آن‌ها را تجسم می‌نماید و

ایران زمین

آن معیار صفات تمام زنان دور و زمان در تمدن جهانی پایدار خواهد ماند. به قول عالم شناخته آلمانی آنی ماری شیمیل که معتقد است که زن در دوره زردشت در خانه از حقوق مساوی با مرد برخوردار است. در اوستا نام زن و مرد در یک ردیف اشاره شده است. وظایف زن فقط با امور خانه و اقتصادی خاتمه نداشت، بلکه برای رشد اخلاقی و معنوی تمام مردمان اوستا خالی از اهمیت نبود. (۵)

مبارزه فعالانه زن در مقابل بدی و ترغیب تمدن اخلاقی و معنوی شاهد این قول است. قابل تذکر است، که دلایل خیلی جالب را در رشته برخورد زندگی خانوادگی به مشاهده می‌رسد، که آن ضرورت داشتن اولاد را حتمی می‌شمارد. وندیداد به شخص اول خانواده افضلیت داده است. اهورا مزدا ساختن محل مسکونی، خانه را که دارای آتش، حیوانات، زن و فرزند و گروه مردان نجیب باشند کار خیر می‌نامد. (۶) (وندیداد ۸-۹)

قانون وفاداری زن و شوهر را دستور می‌دهد و تخلف‌کننده را مجازات می‌نماید و طلاق را منع کرده است. ازدواج با خواهش والدین یا رضایت برادر و خواهر و یا سرپرست صورت می‌گرفت. (۷)

قابل ملاحظه است، که روی سکه‌ها تصویر آناهیتا هم نقش شده. این همه در مجموع دارای رمز پیچیده‌ای بوده که با زردشتیه ارتباط مستقیم دارد.

بعدا در روسیه و انگلیستان هم روی سکه‌ها تصویر ایکاترینا دوم و ایلیزابتوی اول نقش شد. قابل توجه است که هنگام ساختن معبد آناهیتا در زمان خسرو دوم عناصر صحنه آوری عربی، در نوبه ی اول شکلا غیرچشمداشت برای معماری سنتی زردشتی مورد استفاده قرار گرفته است. باید از نقش بسیار بزرگ دین مسیحی در ایران و در مد اول رفتار مخصوص خود خسرو دوم با مسیحیت را ذکر نمائیم. جای تعجب نیست، که شاید خسرو دوم برای ساختن

ایران زمین

پل میان زردشتیه و مسیحیت کوشش مخصوص کرده باشد و بدین شکل آناهیتا را با مریم مقدس مقایسه مینماید (۸). در هر صورت آناهیتا به صفت الهه زردشتی ایران باستان برای تمام مردمان آریایی نژاد جهان باقی می ماند. ولی تعلیمات عیسی مسیح «انجیل» در ترجمه «بشارت نیک» می باشد. خداوند تا جایی جهان را دوست داشت، که فرزند خود را بر روی زمین فرستاد و او را به خاطر رهایی مردمان به عذاب ابدی گرفتار کرد. (۹) تاثیر دین زردشتی روی افکار سیاسی و اجتماعی تمدن غرب قابل ملاحظه بود و آن ها را مفتون خود ساخته بود.

چنانکه معلوم است همه نهادهای اساسی زردشتی از جمله خصلت های که بیشتر به زن خاص است، تجسم یافته است برخی از خانواده و قوانین خانوادگی، مبارزه با بدی و بی عدالتی، نیکی و عدالت، حسن تفاهم و محبت، حفظ محیط زیست و غیره. (۱۰)

ناگفته نماند، که به عقیده عالم فرانسوی دارمستیر نوروز از مراسم بسیار کهن مردم آریایی نژاد است، که اگرچه از این جشن و مراسم در اوستا سخنی نرفته است، اما در کتاب دینی پهلوی از آن روایت شده است. (۱۱)

در بندهشت آمده، که هر سال در نوروز و مهرگان مردم دختران خود را در آب دریای کسوه (دریاچه زارا یا هامون) شست و شو می دهند، زیرا زردشت به آنان گفته است، که در این روز از دختران ایشان اوشیدر و اشودرماه و سوشیان معبودان سه گانه مزدایسنا به وجود خواهند آمد. (۱۲) از این لحاظ بدون آموختن مقام زنان آریایی نژاد در آئینه تاریخ باستان و اهمیت فرهنگ اوستا در حیات مردمان مختلف، رشد عقاید بشردوستانه، والا داشتن معنویات فکری و اخلاقی مردمان جهان امروزی مشکل است تصور کرد.

طبق اساطیر در قرن شش قبل از میلاد در مناطق مسکونی ماساگت ها (نظر

ایران زمین

به نوشته‌های ایرانی سکائی‌ها) پس از مرگ پادشاه، زن او تامیریس به تخت سلطنت نشست. شاه ایرانی کوروش کبیر خواست، که این منطقه را تصرف نماید، اما قبل از آن می‌خواست تامیریس را به زنی بگیرد. تامیریس، که هدف اصلی کوروش را پی برده بود، خواهش او را رد نمود و کوروش با او جنگ اعلام می‌نماید. بعد از آن، که در این جنگ شمار زیاد سکائی‌ها نابود گردیدند و پسر تامیریس هم کشته شد، او به کوروش نامه فرستاد: تو به پیروزی خود مغرور مباش، تو با مکر و فریب پیروز شدی نه با نبرد. جسد پسر مرا پس بده و از کشور من بیرون شو، با وجود آن که تعداد زیاد عساکر مرا کشته‌ای، اگر تو این کار را نه کردی، قسم به آفتاب و سلطنت سکائی‌ها، من تو را از خون سیر می‌کنم، اگرچه تو سیر نمی‌شوی. (۱۳) ولی کوروش به این اخطار توجه نه کرد. تامیرس با سربازان خود به او حمله آورد و در جنگ بسیار شدید فارس‌ها شکست خوردند. طبق اطلاعات هرودات کوروش در جنگ کشته شد. کسینوفونت معتقد است، که به او میسر شد، فرار کند. از این روایت معلوم می‌گردد، که تامیریس پیرو زردشت بوده است.

مورد تذکر است که پادشاه بهمن از سلاله کیانیان فرزند اسفندیار وارث خود را همای (دختر خود) تعیین نمود و او در طول ۳۲ سال پادشاهی نمود. (۱۴) در ایران پس از فوت قباد دوم در سال ۶۲۸ حکما دولت یکی از دنبال دیگر شاهان را از تخت محروم می‌ساختند تا زمانی که پس از تخت رفتن اردشیر، دختر خسرو پرویز دوم – پوران دخت را به تخت سلطنت نشانند. این بانو پس از یک سال و چهار ماه حکمرانی موفقانه فوتید و بعد از یک ماه جای او را خواهرش آذر می‌دخت گرفت. (۱۵)

زنان آریایی نژاد در همه دوره‌های تاریخ باستان نقش خود را گذاشته‌اند. روح مردانگی، جسوری و آزاداندیشی در میان زنان آسیای مرکزی تا قرون ۷-۸

ایران زمین

ادامه داشت. شرکت زنان در نبردها و جنگ‌ها تصادفی نبود. آن‌ها مثل مردان اسب‌سواری، استفاده از سلاح را یاد داشتند و کمان‌انداز ماهر بودند. (۱۶) در سال‌های مبارزه علیه خلافت و ضدفیودالی مردم آسیای مرکزی زنان آریایی نژاد نقش موثر داشتند.

در مورد شرکت زنان در مبارزه علیه خلافت «تاریخ طبری» شهادت می‌دهد و بدین ترتیب ۵۰ هزار مرد و ۳۰ هزار زن اسیر و در زندان‌ها به سر می‌بردند. (۱۷) شخصیت تابناک آن زمان مادر شاهزاده سغدی تغشاد خاتون را می‌باید مخصوصاً قید کرد. او نایب سلطنت گردیده، راه‌های کاروان‌گذر سمرقند و بخارا و همچنین آمل را تحت نظارت خود قرار داد و با چنین سرداران عرب چون سید ابن‌عثمان، حجاج، ابن‌قطیبه مبارزه کرد و مدت طولانی قرارگاه و مرکز خود بیکند را حفظ نمود. (۱۸) جالب توجه است، که زبیده، زن خلیفه هارون‌الرشید (۱۹) ایرانی اصل بود. او دارای عقل و ذکاوت زیاد بوده، که حتی در امور دولتی و سیاسی سهم داشت و به خوبی حل و فصل می‌کرد. او توانست که توجه فضل‌ابن‌سهل را و همچنین طاهرحسین را به فرزند خود المامون مبدول دارد و او را به مسند خلافت نشانند. نقش مادر او خیلی موثر بود، که مامون خود را ایرانی معرفی می‌کرد. (۱۹) این زن صاحب خرد و ذکاوت و لطافت و نزاکت بود.

باید گفت، که زنان صاحب قدرت و نفوذ شخصیت بزرگ بودند و در صفحه تاریخ باستان مقام و اعتبار کسب نموده‌اند. طوری که اسناد و شواهد تاریخی تاکید می‌نماید، در کتاب «قابوس‌نامه» راجع به خاتون سیده حکایتی آورده شده است، که او هشیاری و اندیشه‌مندی توانست خطری را که به کشور او تهدید می‌کرد دفع نماید. سلطان محمود غزنوی (۹۹۸-۱۰۳۰) تصمیم گرفت که سرزمین او را تصرف نماید و به قلمرو خود الحاق نماید. چون مجدالدوله

ایران زمین

چون هنوز خردسال است و نمی‌تواند مقاومت او کند. بدین مقصد او به نزد سیده خاتون سفیری اعزام نمود و از او تقاضا کرد، که در نماز جمعه خطبه به نام او خوانده شود و روی سکه‌ها عکس او نقش گردد. و تهدید نمود که در غیر این لشکر غزنویان شهر ری را تصرف خواهند نمود و سیده خاتون را به قتل خواهد رساند. او در جواب پاسخ داد: «به سلطان محمود بگویید، که تا زمان شوهر من فخرالدوله در حیات بود همیشه از تعرض سلطان به ری بیم داشت و هنگامی که همسرم فوتید من در این خصوص دیگر فکری نه کردم. به اندیشه من سلطان محمود انسان دوراندیش و عاقل است و خوب نیست، که با زن جنگ نماید. اگر پیروزی نصیب من باشد، من به تمام جهان اعلام خواهم کرد، که سلطان محمود را مغلوب کردم و از این افتخار خواهم کرد و اگر او به شکست مواجه شود، در تمام جهان آواز می‌شود، که سلطان به دست زنی شکست خورد. و اگر هم پیروزی نصیب او باشد، آن به او شهرت و افتخار نخواهد آورد و شعرا دیگر در مدح او قصید نخواهند نوشت. زیرا این پیروزی بر یک زن است.» سلطان محمود با خواندن نامه سیده خاتون دیگر هیچ‌گاه در فکر تصرف ری نبود، تا زمانی، که سیده خاتون چشم از دنیا فرو بست و آنگاه سلطان محمود به زودی ری را تصرف نمود. (۲۰)

یک نفر از زنان دوران سامانیان رابعه بنت کعب قزوادی بلخی اولین شاعره خوب استعداد و هم‌عصر رودکی می‌باشد، که اشعارش از نظر لطافت معانی و اشتمال بر معانی دل‌انگیز معروف است. رابعه در بلخ در خانواده کعب نام علمدار عرب به دنیا آمده است. او از اوان طفولیت به ادبیات دلبستگی زیاد ظاهر نموده و اکثرا به دو زبان: عربی و تاجیکی شعر می‌گفته و بعدا در غزل‌سرایی ماهر گردید و اشعار عاشقانه او معروفیت دارند. بعد از فوت پدرش در تربیت و نظارت برادرش حارس بوده. برادرش غلام چنگ‌نوازی داشت،

ایران زمین

بیک تاش نام و رابعه به این جوان دل‌بستگی داشت. او در غزلیاتش محبت پاک و صمیمی انسانی را وصف می‌نماید. ولی حارس از این عمل خواهرش خوش نبود و او را از این کار منع می‌دارد ولی رابعه از عشق خود دست بردار نبود. و آنگاه برادرش با قهر و جاهلی او را به حمام تفتان می‌اندازد و بیک تاش را زندانی می‌کند. بیک تاش از مرگ فاجعه بار رابعه آگاهی یافته از زندان فرار می‌کند و اولاً قاتل شاعره حارس را با خنجر می‌کشد و بعد خود را.

از آثار رابعه چهار غزل و چند پارچه قطعه تا زمان ما رسیده. (۲۱) غزلیات شاعره نهایت روان و جذاب می‌باشند و آهنگ مهرپرور و مفتون‌کننده دارند. او در وصف بهار و وزش باد فارم و طراوت بار آن چنین گرم و دلکش می‌گوید:

فشاندی سوسن و گل سیم و زر

زهی بادی کر رحمت باد بر باد

زن دیگر شناخته شده‌ای، که شهده نام داشت دختر ابن نصر احمد بوده، شاگرد فقیه شهیر بوده، پس از دریافت مرتبه نه تنها در خانه خود، بلکه در میدان‌های سرای جامع در بغداد سخن می‌گفت. شهده ملقب به «فخرالنسا» یعنی «افتخار زن‌ها» بود. او در ۹۰ سالگی در سال ۵۷۴ (۱۱۷۸) از دنیا درگذشته است.

قابل ذکر است، که در کتابخانه خصوصی خاورشناس آلمانی ا. کریمیر دست خطی از خانم شهده محفوظ است، همچنین چندین نوشته‌ها و گزارش‌ها از او به یادگار مانده است. (۲۲) خانم شهده در هنر خطاطی هم مهارت داشته. باید مخصوص تاکید نمود، که در دیوارهای مدرسه بخارا و سمرقند چنین سطور محمد پیغمبر (ص) را می‌توان مطالعه نمود: «آموختن علوم برای

ایران زمین

مسلمانان حتمی است توسط مردان و زنان» (۲۳)
همان طوری که عالم آلمانی ه. ه. شیدر در اثر خود «تاریخ اسلام» نام و کارنامه برخی از این زنان آزاده را نام گرفته. حضرت فاطمه (ع) در مجالس حق سخن گفتن داشتند. زنانی که با همراهی مسلمانان در جنگ قادسیه آمده بودند، مردان مجروح را مداوا می کردند. (۲۴)

روی دیوارهای قدیمی مدارس پنجکنت و خجند نقش زنان اسب سوار جنگ افزار بر تن و تیر و کمان در دست را می توان مشاهده کرد.

نقش بانوی شناخته، شاعره قرن ۱۲، مهستی خجندی را مخصوصا باید به زبان گرفت. رباعیات دلربای مهستی را عالم شهیر آلمانی فریتس ماییر ترجمه تحت اللفظی نموده است. مهستی در نوشتن شعر و هم نقاشی و خطاطی و هم رقص مهارت تام را کسب نموده بوده است. (۲۵)

مقام شاعره دیگری سغدی، مادر مشفق و مهربان، با عقل و خرد و کتاب دوست رازیه آزاد نیز باعث تقدیر است. در سال ۱۹۸۹ کتاب اشعار او به نام «خاطره» به طبع رسیده. از اشعار اجتماعی او «حال من» برمی آید که سالهای جوانی و میان سالی این شاعره قرن بیستم با سختی و نیازمندی گذشته است:

به دور پیش من چیزی ز علم و فن نداشتم

به نادانی گذشت عمر عزیز من، ندانستم

به جز غم در دل و کاهش به جان و تن نداشتم

به تن یک عمر جز یک کهنه پیراهن نداشتم

حق به جانب سخن های والای مادر بزرگوار عالم و خاورشناس شناخته تاجیک مولف کتاب آوازه دار «تاجیکان» باباجان غفوراف، خانم گرامی قدر، شاعره شیرین گفتار تاجیک رازیه آزاد است، که به قول دانشمند شناخته تاجیک محمد

ایران زمین

جان شکوری: «در شعر، به خصوص شعر حکمت آمیز، معانی رویدادهای زندگی بیان شده است، تجربه چندین نسل گذشته و حقیقت حیات گردآوری شده و جمع و بست گردیده است با ماهیت زمانها به صورت بدیع و نظریا به جلوه آمده است. (۲۶)

نقش رازیه آزاد نه تنها همچون شاعره معلوم است، بلکه چون مادر و پرورش گر یکی از چهره های برجسته، باباجان غفوراف باعث احترام می باشد. به گفت پسرش: «او را در روحیه شعر و حکمت حافظ و خیام، رومی و سعدی، سینا و دانش پروریده است» (۲۷)

در آئینه تاریخ باستان زن پیش از همه چون مادر، خواهر، همسر نمودار است. مادر پس از مرگ هم مادر است و مقدس ترن موجود زندگی در جهان است. مادر فرشته آسمانی است، اوج آفرینش یک عالم تام است و یگانه خدای است در روی زمین، که خداشناسان نمی شناسند. (۲۷)

باید تذکر داد، که راه طی نموده زنان آریایی نژاد در تاریخ باستان، از جمله زنان تاجیک هموار نبوده، همیشه دچار عذاب و مشقت بوده است. به گفته عالم تاجیک ر. نبی یوا «از کنیزی و چشم بند و فرنجی تا سازنده و فعال و باشعور جمعیت نو، مهندس و طیب، روان شناس و عالم، سرور بنگاه های صنعتی و کشاورزی، خادم دولتی و سیاسی - چنین است راه طی کرده ی زنان جمهوری. (۲۸)

در صفحات غمبار تاریخ تاجیکستان سال ۱۹۹۲، زمان شدت گرفتن اوضاع سیاسی و اجتماعی و آغاز درگیری های داخلی زنان تاجیک خود را کنار نه گرفتند. برای خاموش ساختن این آتش کینه و بدبینی و تضادهای اجتماعی و سیاسی چون قهرمان حقیقی از تمام امکانات چه در میدانها، حکومت، شورای عالی و چه در کارزارهای مبارزه سهم گرفتند تا در سرزمین خویش صلح و

ایران زمین

صلاح و آرامی پایدار گردد.

در عین زمان در جمهوری تاجیکستان چندین سازمان‌های مختار زنان: از جمله «سازمان عالمه‌های تاجیکستان»، «زن و ترقیات»، «بانوان اکادمی»، «زنان صاحبکار» و غیره فعالیت دارند. باید متذکر شد، که برنامه دولتی «سمت‌های اساسی سیاست در مورد حقوق برابر مرد و زن» که به تاریخ ۲۲ دسامبر سال ۲۰۰۰ به تصویب رسیده است موقع زن را والاتر می‌سازد و برای فعالیت من‌بعدی آن‌ها خیلی مهم می‌باشد و برای عملی گردیدن برابر حقوقی آن‌ها و کمک خواهد رساند تا برابر حقوقی اقتصادی و اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن‌ها تامین باشد.

نباید فراموش کرد، که زنان آریایی نژاد از اوایل تاریخ باستان تا به امروز، در طول قرن‌ها رمز روشنایی، برهم‌زننده ظلمت، رمز پاکی و عفت، رمز حیات و زندگی بوده‌اند و می‌باشند و خواهند بود.

سرچشمه‌ها:

- ۱- شهلا لاهیجی_مهرانگیز کار، شناخت هویت زن ایرانی در گستره پیش‌تاریخ و تاریخ، انتشارات روشنگران، تهران ۱۱۳۷۱، صفحه ۷
- ۲- کتاب به المانی
- ۳- گفتار چند از بزرگان درباره زن، گردآورنده و مترجم مریم فیروز، آبان ۱۳۵۸
- ۴- کتاب به المانی ۵- کتاب به المانی ۶- کتاب به المانی ۷- کتاب به المانی
- ۸- لوکانین و. ک.، ایران قدیم و قرون وسطی ابتدایی، مسکو ۱۹۸۷، صفحه ۱۰۱-۱۰۰
- ۹- انجیل، عهد قدیم و جدید، ستوکولم، ۱۹۹۲، صفحه ۱
- ۱۰- تاریخ تعلیمات سیاسی و حقوقی، مسکو، ۱۹۹۸، صفحه ۴۴-۴۳
- ۱۱- کتاب به المانی
- ۱۲- تاریخ قم، لغت نامه دهخدا، ذیل نوروز، تهران، صفحه ۲۴۳
- ۱۳- هرودوت، تاریخ، ترجمه اسمر، لنینگراد، ۱۹۷۲، صفحه ۹۳-۹۲
- ۱۴- همان جا (اثر)، صفحه ۱۰۲
- ۱۵- احاک ب، زنان حکمران در ممالک مسلمانی، مسکو، ۱۹۸۲، صفحه ۱۲۹۰

ایران زمین

۱۶- جلیل‌اف ا. از تاریخ وضع زنان آسیای میانه قبل و بعد از گسترش اسلام، دوشنبه، ۱۹۷۴، صفحه ۱۰، باژینوف ل. و. مولفین قدیم راجع به آسیای میانه (قرن ۶ قبل از میلاد و قرن ۲ بعد از میلاد)، تاشکند، ۱۹۴۰، صفحه ۲۰۰

۱۷- زهره فتح‌پور، نقش در آینه تاریخ، روزنامه سامان، شماره ۱، دوشنبه، ۱۹۹۹

۱۸- کتاب به المانی ۱۹- کتاب به المانی

۲۰- کتاب به المانی

۲۱- قابوس نامه، سندباد نامه، حکایات فارسی-تاجیکی (به روسی) دوشنبه، ۱۹۸۶، صفحه ۲۰-کتاب به المانی

۲۲- عبدالله‌یف ا. ادبیات تاجیک، دوشنبه، ۱۹۹۰، صفحه ۴۹

۲۳- کتاب به المانی

۲۴- اچاک ب، زنان نایب سلطنت، مسکو، ۱۹۸۲، صفحه ۱۳۹

۲۵- کتاب به المانی

۲۶- کتاب به المانی

۲۷- شکوری محمد جان، خراسان است این جا، دوشنبه، ۱۹۹۷، صفحه ۵۸

۲۸- غفور اف. ب.، علامه زمان، خجند، ۱۹۹۸، صفحه ۱۶-۱۲

۲۹- نبی‌یوا ر. ا.، کشف آزادی زنان، دوشنبه، ۱۹۹۶، صفحه ۲۹-۲۸
